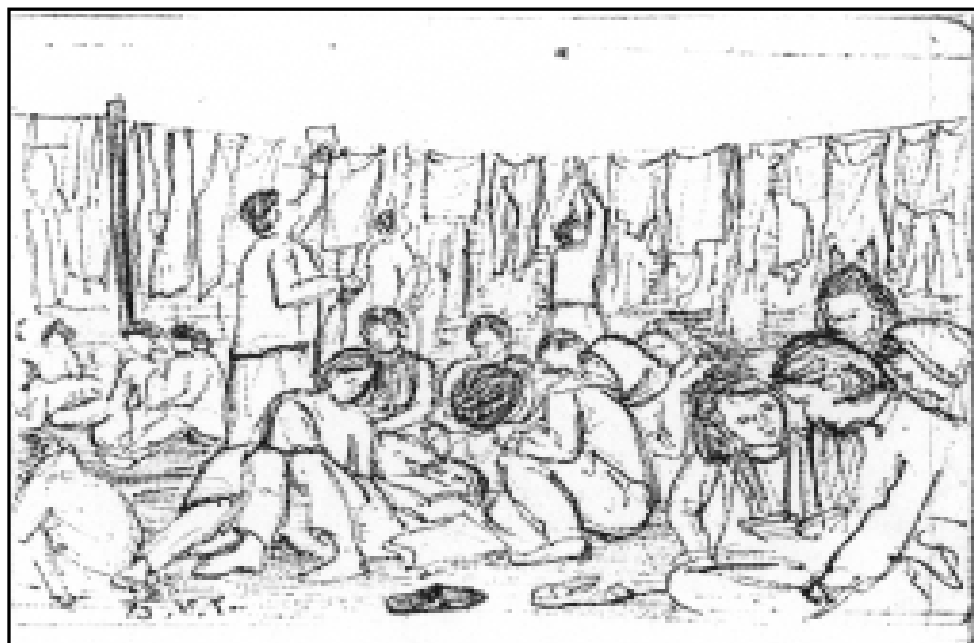


سیمای بند

سودابه اردوان



خواب در سرما و کمبود جا بند آموزشگاه اوین، ۶۶/۹/۸



حداکثر استفاده از آفتاب

بند ۲۱۶ اوین، ۶۵/۱۲/۲۰

وقت هوا خوری ست. یک ساعت، شاید هم دو ساعت. حداکثر استفاده را از آفتاب باید کرد؛ شستشوی لباس ها و پتوها و همچنین ورزش. زندانی ها حق ندارند در حیاط زندان روسری هایشان را از سر بردارند. هر زندانی یک روسری به همراه دارد. اگر پاسداری به حیاط وارد شود، بلافاصله همه به هم خبر را می رسانند و روسری هایشان را به سر می کشند. تنبیه های زیادی سرِ روسری تحمیل می کنند. و احیاناً، تنها مرد این دور و بر نگهبان پشت بام است. ■



انتظار اجباری

بند آموزشگاه اوین، ۱۰/۳/۶۷

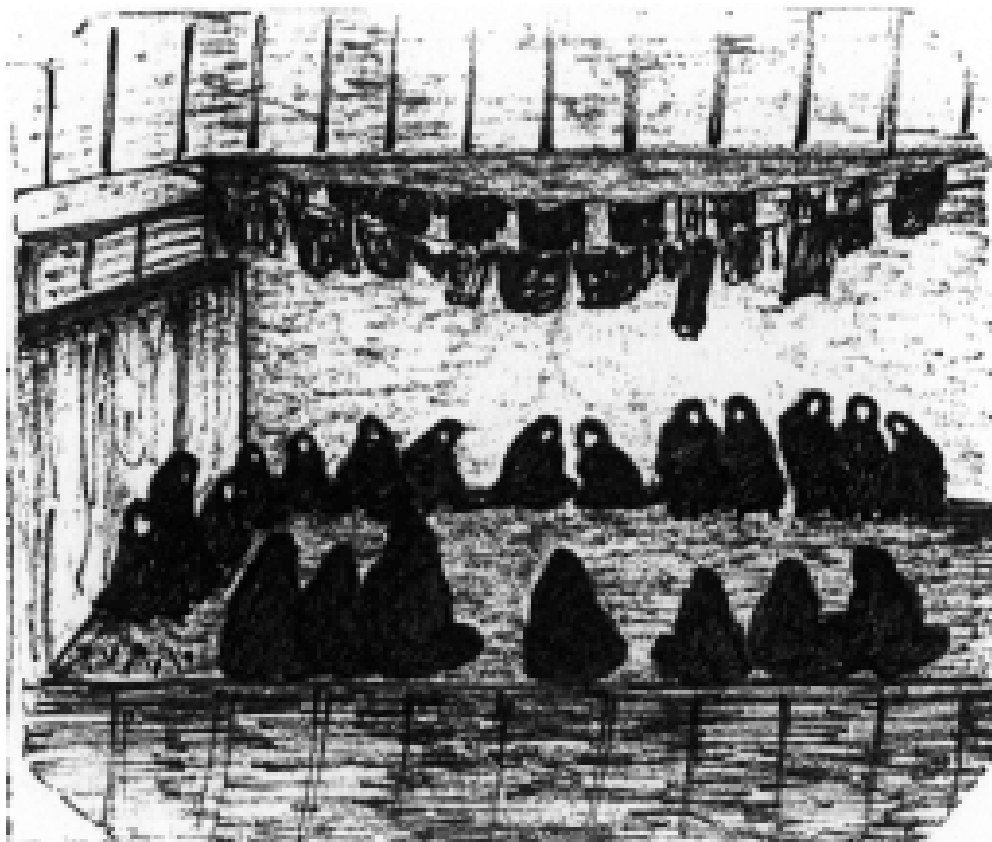
این جا حمام و دستشویی بند ۱ زندان اوین است. کسانی که در سلولهای این بند زندانی اند، همیشه در حالت تنبیهی هستند. شکل عادی زندگی زندانیان، ساعات روز را سپری کردن در سلولهایی بدون پنجره است که به عوض پنجره، نرده های آهنی کرکره مانند دارد و این نرده ها، همه در یک سمت اتاق واقع اند. جلوی کرکره ها شیشه های بزرگ سراسری ست که همیشه شکسته است. جلو این شیشه های شکسته، قفسه های بلندی است که تا نزدیک سقف درازا دارد. پس نه پنجره ای به روشنایی دارند و نه حفاظی در برابر سرما. در زمستان روزی چهار بار و هر بار یک ساعت حق استفاده از دستشویی و حمام دارند. حمامی که در آن از طرف راهرو قفل می شود. زندانی مجبور است هر بار که به توالت می رود، یک ساعت منتظر باز شدن در بماند. و این روزی چهار بار تکرار می شود. ■



آیا خورشید همین است؟

بند آموزشگاه اوین، ۶۶/۹/۲۱

روزنه ای به بیرون، از میان کرکره های کلفت آهنی. همین شیارنازک. حدس می زنیم مردهایی که پیشتر اینجا بودند، نرده ها را کمی کج کرده اند که بشود بیرون را دید. از همین روزنه کوچک حقیقت و نور را می شود دید؛ و این زندانبان را عصبانی می کند. صفحه هایی که ایرانیت نامیده می شود را جلوی روزنه می کشند تا همین یک ذره گل و گیاه را هم از زندانی ها بگیرند. لجوجانه می خواهند تاریکی سلول را به عنوان اصل زندگی به زندانی بقبولانند. بیهوده است اما، تقلا برای مخفی کردن نور خورشید. ■



خانم‌ها یا الله

بند آموزشگاه اوین، ۱۰/۹/۶۷

در اتاق را می‌زنند و می‌گویند: خانم‌ها یا الله، یعنی همه چادرهایشان را به سر کنند که مسئولِ مردِ زندان دارد می‌آید. شاید هم که وزیری، یا نماینده‌ی مجلسی. در این بازدیدها کار مسئولین زندان معمولاً تهدید و تنبیه کردن، و کتک زدن است. زندانی‌ها در انتظار حادثه‌ای تازه‌اند. ■



تنبيه

بند آموزشگاه اوین، ۱۰/۹/۶۷

... به هیچکس خبر ندادند. همه نصفه چایی هایشان را که همیشه با احتیاط می خوردند و حساب چند ساعت بعدش را هم می کردند، خوردند. تنبیهی بی مقدمه نازل شد و نزدیک به ۲۰ ساعت دستشویی ممنوع شد. سلول بیشتر از یک سطل ندارد؛ و هیچکس حاضر نیست که خود را راحت کند و برود و بنشیند کنار بقیه، که دارند درد شدیدی را تحمل می کنند. بالاخره بعد از بیست ساعت زمان دستشویی رفتن فرا می رسد. اما کسی حالت عادی ندارد. ■



بند آموزشگاه اوین، زمستان ۶۶

بایکوت